

# تحلیل چالش‌ها و الزامات حمایت از دانشجویان مستعد و ممتاز در قانون برنامه

## هفتم پیشرفت<sup>۱</sup>

مژگان خوشنام<sup>۱</sup>، هادی یوسفی<sup>۲</sup>

۱. استادیار، مؤسسه تحقیقات سیاست علمی کشور، تهران، ایران  
۲. استادیار، مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران، ایران

\*ایمیل نویسنده مسئول: [khoshnam@nrsp.ac.ir](mailto:khoshnam@nrsp.ac.ir)

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی چالش‌ها و الزامات اجرایی حمایت از دانشجویان مستعد و ممتاز (موضوع بند «ب» ماده «۹۶» قانون برنامه هفتم پیشرفت) انجام شد. با توجه به نیازها و اولویت‌های کشور به نیروی انسانی متخصص به‌ویژه در برخی از حوزه‌ها، لزوم حمایت از این دانشجویان در توسعه علمی و اقتصادی کشور انکارناپذیر است. بدین منظور با استفاده از رویکرد کیفی، ابزار مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و برگزاری پنل خبرگان، دیدگاه‌های ۱۵ نفر از خبرگان علمی و اجرایی کشور در این حوزه احصا شد. روش تحلیل اطلاعات جمع‌آوری‌شده از مشارکت‌کنندگان تحلیل محتوا بود. بر اساس یافته‌های مطالعه، مهم‌ترین چالش‌های اجرای حکم مربوط به حمایت از دانشجویان مستعد و ممتاز در قانون برنامه هفتم عبارت است از: محدودیت اعتبارات مالی و کمبود منابع، نبود انسجام و هماهنگی کافی میان نهادها و دستگاه‌های سیاستگذار و متولی حمایت از دانشجویان، تطابق نداشتن کامل رشته‌های دانشگاهی با ظرفیت‌ها و نیازهای بازار کار و ضعف در استمرار و جامعیت حمایت‌های ارائه شده به دانشجویان. در این خصوص، الزامات اجرایی شناسایی شده عبارت‌اند از: الزامات ساختاری، سیاستی، مالی، اجرایی، نظارتی و بین‌بخشی که هر یک شامل زیرمؤلفه‌هایی هستند. از مهم‌ترین پیشنهادها این مطالعه در اجرایی شدن حکم بند «ب» ماده «۹۶» قانون برنامه هفتم می‌توان به تدوین و تصویب قانون جامع حمایت از استعدادها برتر و همچنین تدوین سیاست‌های هماهنگ‌ساز میان تمام دستگاه‌های اجرایی و متولی حمایت از دانشجویان در کشور اشاره کرد.

**کلیدواژگان:** حمایت از دانشجویان، دانشجویان مستعد و ممتاز، رشته‌های مورد نیاز کشور، سرمایه انسانی، قانون برنامه هفتم پیشرفت.

### مقدمه

جوامع پیشرو همواره سرمایه انسانی را یکی از ارکان بنیادین توسعه پایدار خود دانسته‌اند. دانشگاهیان، کنشگران حوزه علم، نخبگان و دانشجویان از اساسی‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین سرمایه‌های انسانی در هر جامعه - از جمله جامعه ایران - محسوب می‌شوند. بی‌گمان سرمایه‌گذاری هدفمند در این قشر نه تنها بالاترین بازدهی را دارد، بلکه به ارتقای سرمایه علمی، تقویت سرمایه اجتماعی، تعمیق سرمایه فرهنگی و افزایش سرمایه نمادین آنها منجر خواهد شد. این فرایند در بلندمدت زمینه‌ساز توسعه همه‌جانبه و پایدار کشور خواهد بود. بر اساس مطالعات و تحقیقات متعدد می‌توان گفت که مؤلفه‌های اجتماعی نامبرده در ایران مناقشه‌آمیز و تا حدی نگران‌کننده شده است. حقی و همکاران (Haghi, Karamollah & Fouladgar, 2014) با اشاره به افزایش مهاجرت نخبگان علمی و مهیا بودن شرایط تحصیلی مناسب‌تر در خارج از کشور، که با پرداخت وجه و حقوق در قبال کار علمی دانشجویان در کشورهای توسعه یافته همراه است، به این مهم اشاره و به اهمیت مضاعف برنامه‌ریزی برای ارتقای کیفیت زندگی نخبگان و دانشجویان تأکید کرده‌اند؛ این بدین معناست که نظام آموزش عالی در سطح کلان و در عصر حاضر که رقابت در سطح جهانی برای جذب منابع انسانی باکیفیت با شتاب فزاینده‌ای در حال افزایش است، نمی‌تواند درخصوص نقش و کارکرد خود در قبال حمایت از دانشجویان مستعد و نخبگان علمی و افزایش کیفیت تحصیلی آنها بی‌اعتنا باشد.

دانشجویان به‌عنوان سرمایه‌های انسانی و آینده‌سازان جامعه در توسعه علمی، اقتصادی و اجتماعی کشور نقش کلیدی دارند. در این میان، دانشجویان مستعد و ممتاز به‌دلیل داشتن ظرفیت و برخورداری از توانایی‌های علمی و خلاقیت‌های چشمگیر، از ظرفیت بالاتری

<sup>۱</sup> این مقاله بخشی از نتایج طرح پژوهشی است که با حمایت مؤسسه تحقیقات سیاست علمی کشور در سال ۱۴۰۳ اجرا شده است.

برای تبدیل شدن به نخبگان علمی و پیشران حرکت کشور در بخش‌های مختلف برخوردارند. از طرف دیگر، با توجه به شرایط در حال گذار کشور و نیاز به مشارکت بیشتر افراد مستعد و ممتاز علمی برای پیشبرد اهداف و برنامه‌ها در حوزه‌های مختلف، به‌ویژه حوزه‌های مورد نیاز و اولویت‌دار کشور، استفاده از ظرفیت این گروه بیش از پیش اهمیت دارد. همچنین با در نظر گرفتن این نکته که برخی از رشته‌های تحصیلی (همچون رشته‌های ریاضی، فیزیک و شیمی در گروه علوم پایه و رشته فلسفه در گروه علوم انسانی و برخی رشته‌های دیگر) در سال‌های اخیر با اقبال کمتر داوطلبان روبه‌رو بوده‌اند و نظام علم و فناوری کشور نیز نیاز جدی به دانش‌آموختگان این رشته‌ها دارد، بنابراین ضرورت سیاستگذاری هدفمند در حمایت از افراد مستعد و ممتاز و تسهیل ورود آنها به این رشته‌ها برای تحصیل احساس می‌شود. گفتنی است که به دلایل مختلف، رغبت داوطلبان به برخی از رشته‌ها (همچون رشته‌های گروه علوم پزشکی یا مهندسی کامپیوتر در فنی و مهندسی و حقوق و روانشناسی در علوم انسانی) بیشتر از برخی دیگر است. این در حالی است که توسعه متوازن کشور در همه ابعاد به شیوه علمی نیازمند وجود داشتن افرادی برجسته در تمام حوزه‌هاست. ناگفته مشخص است که کاهش داوطلب در هر یک از گروه‌ها و رشته‌های علمی به کاهش چگالی افراد نخبه، مستعد و ممتاز در آن گروه یا رشته علمی منجر می‌شود و این مهم تربیت نیروی انسانی متخصص، تولید علم و توسعه کشور در آن حوزه را با چالش‌هایی همراه می‌کند و سبب کاهش انگیزه استادان آن حوزه علمی نیز می‌شود. پیامد دیگر این پدیده انباشت نیروی انسانی متخصص در برخی از حوزه‌ها و کمبود نیروی انسانی متخصص و آموزش‌دیده در برخی از حوزه‌های دیگر و رشته‌های علمی خواهد بود که بازار کار را به‌طور جدی تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ این بدین معناست که در برخی از حوزه‌ها به دلیل بالا بودن عرضه نیروی انسانی با بیکاری و در برخی دیگر به دلیل کمبود عرضه با تأمین نشدن نیاز بازار کار به نیروی انسانی متخصص مواجه خواهیم بود. در این خصوص سیاستگذاران و برنامه‌ریزان کشور با رصد وضعیت موجود و با بهره‌گیری از فرصت پیش‌آمده در شکل‌گیری قانون برنامه هفتم پیشرفت، بند «ب» ماده «۹۶» را تدوین و تصویب کردند که متن آن بدین شرح است: "به دانشجویان مستعد و ممتاز دانشگاه‌ها که در رشته‌های مورد نیاز کشور در سقف بیست درصد (۲۰٪) ظرفیت رشته‌محل‌های روزانه و بر مبنای ظرفیت سال اول برنامه پذیرش می‌شوند، با شرط حفظ کیفیت آموزشی، کمک‌هزینه تحصیلی از طریق صندوق رفاه دانشجویان پرداخت می‌گردد". اما اینکه حکم مذکور در قانون برنامه هفتم به چه میزان قابلیت تحقق اهداف مد نظر سیاستگذاران و رضایت ذینفعان را دارد، سؤالی است که نیازمند تأمل است. در این خصوص، در پژوهش حسینی لرگانی (Hosseini Largani, 2025) مهم‌ترین عامل مؤثر بر نظر دانشجویان در حال تحصیل در رشته- دانشگاه‌های با بیشترین اقبال ارتباط با بازار کار بیان شده است. بنابراین، توجه به خواسته اصلی دانشجویان در گرایش به رشته‌های انتخابی در دانشگاه می‌تواند سیاستگذاری هدفمند و نزدیک به تحقق اهداف قانون را میسر سازد. بررسی همه‌جانبه چالش‌های احتمالی پیش‌روی اجرای حکم می‌تواند به میزان چشمگیری فرایند اجرا را هموارتر و اهداف آن را محقق کند. شناسایی ابهامات موجود در متن حکم یا ابهامات احتمالی در فرایند اجرا نیز پیامدی است که با مطالعه علمی قابل شناسایی است و می‌تواند در فرایند تدوین آیین‌نامه‌ها، شیوه‌نامه‌ها یا دستورالعمل‌های اجرایی برای دستیابی به هدف اصلی حکم مؤثر باشد. با در نظر گرفتن نکات یادشده و با هدف شناسایی چالش‌ها و الزامات اجرایی‌سازی حکم بند «ب» ماده «۹۶» قانون برنامه هفتم پیشرفت در حمایت از دانشجویان مستعد و ممتاز، مطالعه حاضر در پی پاسخگویی به سؤالات زیر بود:

- ۱- چالش‌های اجرایی‌سازی سیاست حمایت از دانشجویان مستعد و ممتاز مطابق حکم قانونی برنامه هفتم چیست؟
- ۲- الزامات اجرایی شدن سیاست حمایت از دانشجویان مستعد و ممتاز کدام‌اند؟

### مبانی نظری و پیشینه

مباحث مربوط به حمایت از استعدادها برتر و سرمایه‌های انسانی از ابعاد مختلفی قابل بررسی است که در عمل و به‌منظور شناخت بهتر از جزئیات باید این ابعاد و جنبه‌ها به‌صورت تلفیقی مد نظر قرار گیرد. با توجه به آنکه در این پژوهش هدف بررسی چالش‌ها و الزامات حمایت از دانشجویان مستعد و ممتاز از ابعاد و زوایای مختلف بود، دو نظریه مرتبط با موضوع حمایت از این دانشجویان؛ یعنی عدالت آموزشی و سرمایه انسانی بررسی شد.

**عدالت آموزشی:** بر اساس دیدگاه رالز (Rawls, 1971)، عدالت زمانی محقق می‌شود که فرصت‌های اساسی برای همه افراد در دسترس باشد و نابرابری‌ها فقط در صورتی پذیرفتنی است که در خدمت ارتقای شرایط گروه‌های کمتر برخوردار قرار گیرند. اما در این نظریه در خصوص حمایت از دانشجویان مستعد و ممتاز نیز بر دسترسی و حمایت عادلانه از دانشجویان مستعد تأکید شده است، به‌گونه‌ای که

تضمین شود نیازهای منحصر به فرد آنها برآورده می‌شود (Merry, 2008). این مهم شامل پرداختن به نابرابری‌های تاریخی و موانع سیستمی فعلی است که ممکن است مانع توسعه تحصیلی و شخصی آنان شود (Ford et al., 2020). از دیدگاه این نظریه سیاست‌هایی که با هدف حمایت از دانشجویان مستعد و ممتاز اتخاذ می‌شود، باید بر شناسایی، آموزش متمایز، حمایت اجتماعی-عاطفی و دسترسی به منابع پیشرفته تمرکز داشته باشد (Johnsen, 2022; Gilson & Lee, 2023). ملاحظات کلیدی از منظر عدالت آموزشی برای دانشجویان مستعد شامل این موارد است: شناسایی عادلانه: روش‌های سنتی شناسایی اغلب در تشخیص استعداد در دانشجویان با پیشینه‌های فرهنگی، زبانی و اقتصادی متنوع شکست می‌خورند (Cavilla, 2014; Novak et al., 2020). تخصیص منابع: اطمینان از اینکه برنامه‌های حمایت از دانشجویان مستعد بودجه کافی دریافت می‌کنند، بسیار مهم است (Hafenstein et al., 2022). در این خصوص، از زاویه رویکردها و ابتکارات سیاستگذاری نیاز است تا سیستم‌های جامع شناسایی این دسته از دانشجویان طراحی و برنامه‌های آموزشی متمایز متناسب با نیاز آنها در نظر گرفته شود (Cazco, 2024; Gilson & Lee, 2023; Kronborg & Cornejo-Araya, 2018).

**سرمایه انسانی:** فرض نظریه سرمایه انسانی بر این است که سرمایه‌گذاری در آموزش، بهره‌وری افراد را افزایش می‌دهد و به رشد اقتصادی کمک می‌کند (Hafenstein et al., 2022). دلالت این نظریه درخصوص دانشجویان مستعد و ممتاز به ارتقای مزایای اجتماعی با حمایت از این دانشجویان تفسیر می‌شود (Olszewski-Kubilius, 2024). این سیاست‌ها اغلب شامل حمایت‌های مالی، برنامه‌های تخصصی و اختصاص منابع با هدف به حداکثر رساندن ظرفیت این دانشجویان است. اصول کلیدی نظریه سرمایه انسانی شامل سرمایه‌گذاری در مهارت‌ها و دانش به منظور ارتقای بهره‌وری و درآمد آینده آنها (Hafenstein et al., 2022) و رشد اقتصادی با بهبود کیفیت نیروی کار از طریق سرمایه‌گذاری در آموزش و بازگشت سرمایه با حمایت از دانشجویان مستعد است، با این فرض که این دسته از دانشجویان احتمالاً در آینده به رهبران و نوآوران حوزه‌های مختلف تبدیل می‌شوند (Olszewski-Kubilius, 2024). اما اقدامات سیاستی که از این نظریه در حمایت از دانشجویان مستعد و ممتاز قابل برداشت است، شامل ارائه کمک‌های مالی همچون بورسیه‌ها، ارائه برنامه‌های تخصصی همچون فرصت‌های تحقیقاتی (Balakireva, 2018)، راهنمایی‌های شغلی و خدمات پشتیبانی همچون دسترسی به مشاوره، خدمات بهداشتی و ... می‌شود (Cazco, 2024). چالش‌ها و ملاحظات آن که از زاویه این نظریه در موضوع حمایت از دانشجویان مستعد و ممتاز قابل طرح است، عبارت‌اند از: تعریف استعداد و دانشجوی مستعد و معیارهای چندگانه شناسایی و ارزیابی (Castellano & Chandler, 2022) و ارزیابی برنامه و پایداری سیاست (Olszewski-Kubilius, 2024). نظریه‌های مربوط به سرمایه انسانی انواع مختلفی دارند که هر یک بر حوزه خاصی تمرکز داشته‌اند. در میان این نظریه‌ها، به نظر می‌رسد که نظریه بکر<sup>۲</sup> ارتباط بیشتری با موضوع حمایت از دانشجویان مستعد و ممتاز دارد. بر اساس این نظریه حمایت ویژه از این گروه به عنوان یک سرمایه‌گذاری کارآمد توجیه‌پذیر است، چرا که دانشجویان مستعد از ظرفیت بالاتری برای نوآوری، رهبری و تولید برخوردارند، از این رو، سرمایه‌گذاری برای آنها می‌تواند نرخ بازگشت بالاتری نسبت به سرمایه‌گذاری در دانشجویان عادی داشته باشد. دیدگاه بکر در این زمینه شامل موارد زیر است:

- **افزایش بهره‌وری فردی و اجتماعی:** بکر استدلال می‌کند که آموزش پیشرفته برای افراد با استعداد بالا به افزایش تولید دانش و مهارت‌های تخصصی منجر می‌شود که در اقتصاد دانش‌بنیان امروزی حیاتی است. سیاست‌های حمایتی مانند برگزاری کلاس‌های غنی-سازی یا برنامه‌های شتاب‌دهی می‌توانند این افراد را سریع‌تر به بازار کار وارد کنند و بهره‌وری آنها را حداکثر سازند.

- **توجیه اقتصادی برای تخصیص منابع:** از دیدگاه بکر منابع محدود آموزشی باید به گونه‌ای تخصیص یابند که بیشترین بازدهی را داشته باشند. حمایت از دانشجویان ممتاز به عنوان «سرمایه‌گذاری با ریسک پایین و بازدهی بالا» دیده می‌شود، زیرا این افراد احتمالاً به متخصصان، مخترعان یا مدیران موفق تبدیل می‌شوند. مطالعات نشان می‌دهد که نبود حمایت از دانشجویان مستعد به هدررفت منابع انسانی منجر می‌شود، مانند کاهش انگیزه یا مهاجرت مغزها که بکر آن را هزینه فرصت از دست رفته می‌داند (Fischer & Lipovská, 2016). از سوی دیگر، به نظر می‌رسد که دانشجویان با چالش‌های متعددی در محیط‌های دانشگاهی مواجه‌اند که می‌تواند کیفیت زندگی، سلامت روان و عملکرد تحصیلی آنها را تحت تأثیر قرار دهد. حمایت از این دانشجویان نه تنها به ارتقای فردی آنها کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ساز توسعه پایدار جامعه خواهد بود. مرور مطالعات انجام شده (در دسته‌بندی زیر) درباره کیفیت تحصیلی دانشجویان و

<sup>2</sup> Becker

سیاست‌های حمایت از آنها به‌طور کلی - و دانشجویان مستعد و ممتاز به‌طور خاص - نشان‌دهنده آسیب‌هایی است که برخی از آنها به شرح زیر است:

- کمبود تسهیلات پژوهشی و کارآفرینی: مدل کیفیت زندگی دانشگاهی ارائه شده توسط مرتضوی و همکاران (Mortazavi, Shahtalebi & Karimi, 2022) بر اهمیت تسهیلات پژوهشی و فرصت‌های کارآفرینی برای دانشجویان تأکید دارد. دانشجویان مستعد اغلب به دنبال فرصت‌هایی برای توسعه مهارت‌های پژوهشی و عملی خود هستند، اما کمبود امکاناتی مانند آزمایشگاه‌های مجهز، مراکز رشد و ارتباط با صنعت می‌تواند مانع رشد تحصیلی و مهارت‌آموزی آنها شود. سامینار (Suminar, 2024) به تأثیر بالای حمایت‌ها و منابع دانشگاهی در کنار سختکوشی و تعهد دانشجویان در احساس اثربخشی و موفقیت آنها اشاره می‌کند. همچنین یو و لی (Yu & Lee, 2008) رضایت دانشجویان از خدمات آموزشی، اداری و امکانات آموزشی را در افزایش کیفیت زندگی دانشگاهی و هویت‌یابی دانشجویان دارای اثر بالایی می‌دانند؛ این عوامل بر افزایش تعهد، وفاداری و احساس تعلق به دانشگاه و کشور نیز به میزان زیادی اثرگذار است (Yu & Kim, 2008).
  - سیاست‌های ناکارآمد شناسایی و حمایت: بسیاری از نظام‌های آموزشی سازوکارهای دقیق و عادلانه برای شناسایی دانشجویان مستعد ندارند. معیارهای فعلی اغلب به نمرات درسی محدود و توانمندی‌های پژوهشی، خلاقیت و مهارت‌های عملی نادیده گرفته می‌شود. پژوهش مرتضوی و همکاران (Mortazavi et al., 2022) نشان می‌دهد که نبود تناسب میان برنامه‌های درسی و نیازهای بازار کار، دانشجویان ممتاز را با چالش «بی‌هدفی تحصیلی» مواجه می‌کند.
  - ساختارهای اداری پیچیده و بوروکراتیک: فرایندهای طولانی و غیرشفاف برای دریافت حمایت‌های مالی یا استفاده از امکانات پژوهشی، زمان و انرژی دانشجویان را به جای تمرکز بر پژوهش، به درگیری با پرونده‌های اداری معطوف می‌کند. برای مثال، در مطالعه مهدی (Mahdi, 2015) در دانشگاه‌های تهران اشاره شد که کمبود خوابگاه‌های دانشجویی باکیفیت و خدمات درمانی ناکافی ناشی از تخصیص نامناسب بودجه و اولویت‌بندی نادرست در سیاست‌گذاری‌هاست.
- علاوه بر چالش‌های یادشده، ساختارهای موجود اغلب به‌صورت مقطعی، پروژه‌محور و بدون انسجام راهبردی عمل می‌کنند، در نتیجه، نه تنها بسیاری از استعدادها برتر شناسایی نمی‌شوند، بلکه آن دسته از دانشجویانی که شناسایی می‌شوند، در فرایندهای حمایتی با مشکلات متعددی مواجه هستند. همچنین ساختار فعلی حمایت از دانشجویان مستعد، به اعطای چند بورسیه یا جایزه محدود می‌شود و پشتوانه‌های حقوقی و ساختاری لازم را برای اثرگذاری بلندمدت ندارد. تجارب برخی از کشورها همچون کره جنوبی در این زمینه نشان می‌دهد که در آنجا حمایت از استعدادهای برتر به سیاست کلان ملی تبدیل شده است و قوانین شفاف، دستگاه‌های پاسخگو و برنامه‌های بلندمدت برای هدایت نخبگان تدوین شده‌اند. در این کشورها، حمایت از نخبگان فقط به دوران تحصیل محدود نمی‌شود، بلکه زنجیره‌ای کامل از شناسایی تا ورود به بازار کار و حتی کارآفرینی را در بر می‌گیرد (Lee, Kang & Lee, 2016)، فرایندی که در کشور ایران دیده نمی‌شود و نیازمند تبیین، برنامه‌ریزی و اصلاح اساسی است.
- مرور پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که پس از گذشت بیش از یک سال از ابلاغ قانون برنامه هفتم پیشرفت و دغدغه‌ها و ابهامات صاحب‌نظران و سیاستگذاران حوزه آموزش عالی، همچنان خلأ یک پژوهش درباره موشکافی، تحلیل و احصای الزامات اجرایی، موانع موجود و پیشنهادها برای تحقق اهداف حکم در حمایت از دانشجویان مستعد و ممتاز، تربیت نیروی متخصص متناسب با نیاز جامعه و بازار کار، نگهداشت نیروی انسانی و جلوگیری از مهاجرت دانشجویان و بسیاری پیامدهای آموزشی، پژوهشی و اجتماعی پنهان دیگر وجود دارد که در جهت اهداف این حکم محقق خواهد شد. پژوهش حاضر بنا بر همین ضرورت و برای پر کردن بخشی از این خلأ پژوهشی و سیاستی انجام شده است.

## روش پژوهش

رویکرد مطالعه حاضر کیفی بود و از روش تحلیل محتوا برای دستیابی به نتایج و تحلیل اطلاعات به‌دست آمده از مشارکت‌کنندگان استفاده شد. در یک تعریف عام، هولستی (Holsti, 2019) تحلیل محتوا را به هر روشی که برای استنباط نظام‌مند و عینی ویژگی‌های خاص پیام به‌کار می‌رود، اطلاق می‌کند. روش تحلیل محتوای کیفی به دو شیوه قیاسی و استقرایی استفاده می‌شود. شیوه قیاسی هنگامی که پژوهشگر قصد آزمون یا بررسی صحت نظریه و فرضیات را دارد و شیوه استقرایی زمانی که پژوهشگر سعی دارد در حوزه جدید به فهمی تازه دست یابد و مدل یا نظریه‌ای در آن زمینه تدوین کند، استفاده می‌شود (Tabrizi, 2012). در مطالعه حاضر روش تحلیل محتوای

استقرایی به کار برده شد. همان گونه که اشاره شد، استفاده از رویکرد استقرایی که از آن با عنوان تحلیل محتوای متعارف/عرفی هم نامبرده می شود، زمانی ضرورت دارد که اطلاعات کافی درباره یک پدیده وجود ندارد و محقق در تلاش است تا دانش زمینه‌ای لازم را در این خصوص فراهم سازد (Iman & Noushadi, 2011).

در مطالعه حاضر داده‌ها به روش میدانی، با استفاده از ابزار مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و برگزاری پنل خبرگان گردآوری شد. برای انتخاب خبرگان حوزه آموزش عالی و مطلعان کلیدی در زمینه حمایت از دانشجویان، از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد، چرا که در نمونه‌گیری هدفمند افرادی انتخاب می‌شوند که شناخت بیشتری از موضوع مورد مطالعه دارند و این امکان را فراهم می‌سازد تا داده‌های غنی‌تری جمع‌آوری شود. مشارکت‌کنندگان در پژوهش شامل ۱۵ نفر از خبرگان علمی و اجرایی بودند که مشخصات آنها در جداول ۱ و ۲ ارائه شده است.

## جدول ۱.

مشخصات مشارکت‌کنندگان در پژوهش به تفکیک جنسیت و مرتبه علمی

مشارکت‌کنندگان	جنسیت		مرتبه علمی			غیرهیئت علمی	فراوانی	درصد
	آقا	خانم	استادیار	دانشیار	استاد			
خبرگان علمی	۴	۱	۲	۱	۱	۱	۵	۳۳/۳٪
مسئولان اجرایی	۱۰	۰	۲	۲	۴	۲	۱۰	۶۶/۱۶

## جدول ۲.

مشخصات مشارکت‌کنندگان در پژوهش به تفکیک جایگاه سازمانی

افراد نمونه	جایگاه سازمانی	افراد نمونه	جایگاه سازمانی
رئیس صندوق رفاه دانشجویان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	معاون مستعدان و آینده‌سازان بنیاد ملی نخبگان	معاون صندوق رفاه دانشجویان وزارت بهداشت	معاون مستعدان و آینده‌سازان بنیاد ملی نخبگان
رئیس سازمان امور دانشجویان مدیرکل دانشجویی معاونت فرهنگی و دانشجویی وزارت بهداشت	مدیرکل بورس و اعزام دانشجویان سازمان امور دانشجویان	معاون فرهنگی و دانشجویی وزارت بهداشت	مدیرکل بورس و اعزام دانشجویان سازمان امور دانشجویان
معاون فرهنگی و اجتماعی معاون اول رئیس جمهور	رئیس سازمان خدمات دانشجویی دانشگاه تهران	عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی	رئیس سازمان خدمات دانشجویی دانشگاه تهران
عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی پژوهشگر مرکز پژوهش‌های مجلس	عضو هیئت علمی مؤسسه تحقیقات سیاست علمی کشور	عضو هیئت علمی مؤسسه تحقیقات سیاست علمی کشور	عضو هیئت علمی مؤسسه تحقیقات سیاست علمی کشور

برای کسب روایی<sup>۳</sup> و اطمینان از دقت و صحت اطلاعات تحلیل شده در یافته‌ها، از روش بازبینی مشارکت‌کنندگان<sup>۴</sup> و ارائه یافته‌ها به آنها برای تأیید یا اصلاح و همچنین روش بررسی توسط همکاران<sup>۵</sup> و مشورت با پژوهشگران دیگر برای بازبینی یافته‌ها استفاده شد. برای افزایش پایایی<sup>۶</sup> از روش ثبت دقیق مراحل پژوهش<sup>۷</sup> و تحلیل برای امکان بازبینی توسط پژوهشگران استفاده شد.

## یافته‌ها

### سؤال ۱. چالش‌های اجرایی سازی سیاست حمایت از دانشجویان مستعد و ممتاز مطابق حکم قانونی برنامه هفتم چیست؟

یکی از چالش‌های اصلی در اجرای بند «ب» ماده «۹۶» قانون برنامه هفتم پیشرفت، محدودیت اعتبارات مالی و کمبود منابع است. کمبود بودجه نه تنها موجب کاهش اثربخشی حمایت‌های مالی از دانشجویان مستعد و ممتاز می‌شود، بلکه می‌تواند به شکست سیاست‌های طراحی شده برای نگهداشت سرمایه‌های انسانی منجر شود. این محدودیت‌ها در ابعاد مختلفی مانند پرداخت کمک هزینه تحصیلی، تأمین خوابگاه‌های متاهلی و حمایت از پژوهش‌های دانشجویی می‌تواند خود را نشان دهد. این مهم در حالی است که اعتبارات قابل هزینه نیز وابسته به منابع دولتی و اعتبارات پیش‌بینی شده در بودجه‌های سنواتی است و به دلیل محدودیت درآمدزایی صندوق‌های رفاه دانشجویان و پایدار نبودن منابع، می‌تواند چالش‌های اساسی در پیشبرد این سیاست را ایجاد کند. در همین زمینه یکی از مشارکت‌کنندگان در پژوهش در خصوص اجرا شدن بند «ب» ماده «۹۶» قانون برنامه هفتم پیشرفت اظهار داشت: "پیش‌بینی ما برای سال اول اجرا این است که حدود ۲۸ هزار نفر از تسهیلات بند «ب» ماده «۹۶» استفاده خواهند کرد و مبلغ مورد نیاز ۱۶۸۰ میلیارد تومان است. این رقم در سال‌های بعدی افزایش می‌یابد، اما تأمین این منابع مالی چالش اصلی است". مشارکت‌کننده دیگری در این باره این‌گونه بیان می‌کند که "ما در تدوین قانون بودجه سال ۱۴۰۴ متأسفانه برای اجرای این بند اعتباری پیش‌بینی نکردیم، چون شرط مقرر در بخشنامه بودجه رعایت نشده بود". همچنین مشارکت‌کننده دیگری معتقد است: "مشکلی که در بحث اجرایی شدن آیین‌نامه‌ها وجود دارد، بحث اعتبار است. اگر این تخصیص اعتبار از طرف سازمان برنامه صورت نگیرد، قطعاً یکی از چالش‌هایی که با آن روبه‌رو خواهیم شد، عدم پرداخت‌های به‌موقع به دانشجویان خواهد بود".

چالش دوم در اجرای سیاست حمایت از دانشجویان مستعد و ممتاز مربوط به نبود انسجام و هماهنگی کافی میان نهادها و دستگاه‌های سیاستگذار و متولی است که به‌عنوان یک مانع ساختاری شناسایی شده است. نهادهای متعدد از جمله وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، بنیاد ملی نخبگان، صندوق رفاه دانشجویان و معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، هر یک به‌صورت جزیره‌ای و بدون هماهنگی مؤثر با یکدیگر از دانشجویان برتر حمایت‌هایی می‌کنند. هرچند که بند «ب» ماده «۹۶» قانون برنامه هفتم صندوق‌های رفاه دانشجویان را متولی امر قرار داده است، اما همان‌گونه که اشاره شد، تعدد نهادها در موضوع حمایت دانشجویان و نبود انسجام و هماهنگی کافی میان آنها از عواملی است که می‌تواند مانع از اجرای سیاست مذکور به‌صورت اثربخش باشد. پراکندگی میان نهادها به تداخل وظایف، موازی‌کاری و اتلاف منابع منجر می‌شود. به‌ویژه تفاوت در تعاریف ارائه شده از دانشجوی مستعد و ممتاز، استعداد درخشان، نخبه و ... می‌تواند مأموریت‌های نهادها و دستگاه‌های مختلف را تحت تأثیر قرار دهد. همچنین ضعف در ارتباط بین سیاستگذاران و مجریان می‌تواند شرایطی را به وجود آورد که تصمیمات اتخاذشده کمتر مبتنی بر نیازهای واقعی دانشجویان و شرایط عملیاتی باشد که با توجه به شرایط ارتباط نهادی در نظام آموزش عالی کشور چندان مطلوب به نظر نمی‌رسد. در این خصوص می‌توان به نکات اشاره شده از سوی مشارکت‌کنندگان در پژوهش اشاره کرد. یکی از آنها اظهار داشت: "گاهی دانشجویی همزمان از چند نهاد مختلف مانند بنیاد نخبگان و صندوق رفاه کمک‌هزینه دریافت می‌کند، در حالی که برخی دانشجویان مستعد دیگر به‌دلیل پراکندگی خدمات، از حمایت‌ها بی‌بهره می‌مانند". مشارکت‌کننده دیگری این نکته را بیان کرد که "هر نهاد به‌صورت جزیره‌ای عمل می‌کند. دانشگاه‌ها یک مسیر را می‌روند، وزارتخانه مسیر دیگری را پیش می‌برد و بنیاد نخبگان نیز برنامه‌های خودش را دارد".

<sup>۳</sup> Validity

<sup>۴</sup> Member Checking

<sup>۵</sup> Peer Debriefing

<sup>۶</sup> Reliability

<sup>۷</sup> Dependability

چالش سوم در این زمینه نبود تطابق کامل رشته‌های دانشگاهی با نیازهای واقعی بازار کار و به‌روز نبودن محتوای آموزشی شناسایی شد. بسیاری از رشته‌های موجود در دانشگاه‌ها بدون توجه به تحولات سریع فناوری و نیازهای روز طراحی شده‌اند که به تربیت نیروی انسانی بدون مهارت‌های مورد نیاز بازار کار منجر می‌شود. علاوه بر این، این مهم در فرایند حمایت از دانشجویان مستعد و ممتاز نیز چالش‌هایی را به وجود می‌آورد. از آنجایی که بر اساس حکم بند «ب» ماده «۹۶» قانون برنامه هفتم حمایت از دانشجویان مستعد و ممتاز در رشته‌های مورد نیاز باید صورت پذیرد، تطابق رشته‌های دانشگاهی مورد نیاز با نیازهای واقعی جامعه با میزان زیادی از خطا همراه خواهد بود، چرا که افرادی شناسایی خواهند شد که رشته‌های تحصیلی آنان با نیازهای جامعه تطابق کامل نخواهد داشت. همچنین ضعف ارتباط مؤثر بین دانشگاه‌ها و جامعه موجب شده است که برنامه‌های درسی بدون توجه به نیازهای مهارتی بخش‌های مختلف اقتصادی تدوین شوند. این شکاف بین آموزش و اشتغال نه تنها در شناسایی دانشجویان مستعد و ممتاز چالش‌هایی را ایجاد می‌کند، بلکه به‌طور کلی، به کاهش بهره‌وری نیروی کار و افزایش نرخ بیکاری دانش‌آموختگان و هدررفت منابع منجر می‌شود. برخی از مشارکت‌کنندگان نیز در این زمینه به نکات مهمی اشاره داشتند: "رشته‌های غیرضرور هر سال پذیرش می‌شوند، در حالی که رشته‌های مورد نیاز کشور مثل برخی گرایش‌های علوم پایه (ریاضی و فیزیک) با استقبال کم دانشجویان مواجه هستند". بنابراین، نیاز به رصد مداوم شرایط روز، نیازهای جامعه و بازار کار در پذیرش و آموزش دانشجویان به‌عنوان نیاز جدی در آموزش عالی برشمرده می‌شود. در این خصوص مشارکت‌کننده دیگری اعتقاد داشت: "در حال حاضر، در کشور یک شرایط کاریکاتوری وجود دارد. ذائقه دانش‌آموزان به سمت پزشکی رفته، در حالی که در رشته‌های مهندسی مثل برق، مکانیک و صنایع با کمبود نیروی متخصص مواجه هستیم. بنابراین، این شرایط نیازمند ساماندهی است". مشارکت‌کننده دیگری اظهار کرد که "در بسیاری از رشته‌ها، دانشجویان پس از فارغ‌التحصیلی مهارت لازم برای ورود به بازار کار را ندارند، چون محتوای درسی سال‌هاست به‌روز نشده است".

چالش چهارم مربوط به مغفول ماندن حمایت‌های غیرمادی و انگیزشی است، چرا که سیاست‌های حمایتی موجود عمدتاً بر کمک‌های مالی متمرکز و از ابعاد اجتماعی، روانشناختی و انگیزشی غفلت شده است. در حالی که انواع طرح‌های حمایتی در قالب پرداخت‌های نقدی و وام‌های تحصیلی به کرات مد نظر قرار گرفته است، نیازهایی مانند ایجاد حس تعلق، ایجاد فرصت‌های مشارکت در پروژه‌های اثرگذار، توسعه شبکه‌های حرفه‌ای و تقویت هویت علمی دانشجویان نادیده گرفته شده‌اند. این نگاه تک‌بعدی نه تنها به کاهش اثربخشی حمایت‌ها منجر شده، بلکه نتوانسته است از مهاجرت استعدادهایی که به دنبال محیط‌های پویاتر علمی و اجتماعی و دریافت احساس اثربخشی در دانشگاه و جامعه هستند، جلوگیری کند. اسناد نشان می‌دهند که بسیاری از دانشجویان ممتاز بیشتر از مشکلات مالی، از نبود چشم‌انداز شغلی روشن، احساس اثرگذار نبودن و دسترسی نداشتن به فرصت‌های رشد حرفه‌ای رنج می‌برند (Shahabadi & Jamehbozorgi, 2013). این در حالی است که تجربه‌های موفق در سایر کشورها ثابت کرده است که ترکیب حمایت‌های مادی با برنامه‌های توانمندسازی، مشاوره شغلی و ایجاد ارتباط با صنعت می‌تواند تأثیر به مراتب بیشتری در حفظ و بالندگی استعدادها داشته باشد (Pouratashi, 2018). یکی از مشارکت‌کنندگان در پژوهش معتقد بود: "دانشجوی نخبه فقط به پول نیاز ندارد. او نیاز دارد احساس ارزشمندی کند، دیده شود و بداند که جامعه برای استعدادهایش ارزش قائل است". مشارکت‌کننده دیگری اظهار داشت: "وقتی فقط پول بدهی و ارتباط معنوی نداشته باشی، دانشجو احساس می‌کند به‌عنوان یک «منبع» دیده می‌شود و نه یک «استعداد»". مشارکت‌کننده دیگری نیز با تأکید بر نکات مذکور، بر این اعتقاد بود که "حمایت‌های مادی اگرچه لازم است، اما برای نگهداشت استعدادها کافی نیست. باید دل‌ها را هم به‌دست آورد".

چالش پنجم به ضعف در استمرار و جامعیت حمایت‌های ارائه مربوط می‌شود که به‌عنوان یکی از موانع اصلی در نظام حمایتی دانشجویان مستعد و ممتاز شناسایی شده است. دقت در سیاست‌های موجود نشان می‌دهد که سیاست‌های فعلی عمدتاً مقطعی، تک‌بعدی و بدون نگاه سیستمی هستند. بی‌توجهی همزمان به عوامل انگیزشی، مشاوره‌ای، مهارت‌آموزی و شبکه‌سازی حرفه‌ای و نبود نگاهی یکپارچه و مستمر در این زمینه موجب کاهش اثربخشی برنامه‌های حمایتی شده است. همچنین نبود پیوند معنادار بین حمایت‌های تحصیلی و تضمین آینده شغلی، انگیزه دانشجویان برای بهره‌گیری از این تسهیلات را تضعیف کرده است. در حالی که تجربه‌های موفق در سایر کشورها نشان می‌دهد ترکیب هوشمندانه حمایت‌های مادی و غیرمادی در قالب بسته‌های جامع حمایتی می‌تواند در حفظ و شکوفایی استعدادها تأثیر بیشتری داشته باشد (Pouratashi, 2018). در همین زمینه مشارکت‌کنندگان در پژوهش نکات زیر را بیان داشتند: "

صندوق رفاه عمدتاً بحث پرداخت تسهیلات مالی را مطرح کرده و خیلی وارد بحث‌های دیگر مثل حمایت‌های روان‌شناختی، مهارت‌افزایی یا شبکه‌سازی نشده است." " برنامه‌های حمایتی ما بیشتر شبیه مُسکن‌های موقت است تا راهکارهای بلندمدت برای پرورش استعدادها؛ " دانشجوی نخبه علاوه بر حمایت مالی، به فضای پژوهشی مناسب، دسترسی به تجهیزات و ارتباط با صنعت نیاز دارد که اغلب فراهم نیست."

### جدول ۳.

مضامین، مقوله‌ها و گویه‌های حاصل از دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان در پژوهش در پاسخ به سؤال اول

مضمون	مقوله	گویه
محدودیت اعتبارات مالی و کمبود منابع	کمبود بودجه برای حمایت از دانشجویان	تخصیص نیافتن بودجه کافی توسط سازمان برنامه و بودجه به دلیل نبود برنامه عملیاتی؛ ناتوانی صندوق رفاه در پوشش کامل نیازهای دانشجویان مستعد (مثل پرداخت پژوهانه ناکافی)؛ پیش‌بینی نشدن اعتبارات لازم در بودجه سالانه برای اجرای برنامه‌های حمایتی
	چالش‌های تخصیص منابع به دانشگاه‌ها	اختصاص بخش عمده بودجه دانشگاه‌ها به هزینه‌های جاری (تغذیه، خوابگاه و حقوق)؛ نبود تناسب بین منابع مالی و تعداد دانشجویان تحت پوشش؛ اولویت‌دهی نادرست در توزیع منابع (مثل حمایت نکردن از رشته‌های کم‌اقبال مورد نیاز)
ضعف ثبات در تأمین مالی	ضعف ثبات در تأمین مالی	وابستگی به منابع متغیر دولتی و نبود درآمدهای پایدار برای صندوق‌های دانشجویی؛ پرداخت‌های غیرهدفمند و بدون اثرگذاری مطلوب (مانند کمک‌هزینه‌های کم مقدار بدون حل مشکلات دانشجویان)
	هدررفت منابع مالی	ضعف در نظارت بر مصرف بهینه منابع (مانند هزینه‌های غیرضروری در خدمات رفاهی و هتلینگ در دانشگاه‌ها)
کمبود انسجام در تأمین و هزینه‌کرد منابع مالی	کمبود انسجام در تأمین و هزینه‌کرد منابع مالی	ناهماهنگی بین نهادهای تأمین‌کننده منابع (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، بنیاد نخبگان، معاونت علمی و ...)؛ موازی‌کاری در هزینه‌کرد بودجه (مانند پرداخت‌های موازی به دانشجویان از چند نهاد)
	نبود انسجام و هماهنگی کافی میان نهادها و دستگاه‌های سیاستگذار و متولی	جزیره‌ای عمل کردن نهادها (صندوق‌ها، بنیاد نخبگان، معاونت علمی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و ...)؛ نبود تقسیم کار مشخص بین نهادهای متولی؛ تداخل مأموریت‌ها و وظایف نهادهای مختلف؛ ضعف هماهنگی در سیاستگذاری و اجرا؛ نبود شورای هماهنگی بین نهادهای سیاستگذار
ضعف انسجام در حمایت‌های دانشجویی	ضعف انسجام در حمایت‌های دانشجویی	حمایت‌های پراکنده و نامستمر از دانشجویان (مثل بورس‌های مختلف بدون هماهنگی بین نهادی)؛ نبود سیستم یکپارچه برای شناسایی و حمایت از دانشجویان مستعد؛ تعدد آیین‌نامه‌ها و قوانین (مانند آیین‌نامه‌های بنیاد نخبگان و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری)
	چالش‌های ساختاری در تخصیص منابع	تخصیص بودجه بدون برنامه‌ریزی یکپارچه؛ نبود شفافیت در توزیع منابع بین نهادها؛ موازی‌کاری در پرداخت‌های حمایتی (مانند پرداخت به دانشجو از طرف چند نهاد)
کاستی ارتباط مؤثر بین سیاستگذاران و مجریان	کاستی ارتباط مؤثر بین سیاستگذاران و مجریان	نبود حلقه‌های مشورتی جامع بین نهادها؛ ضعف دریافت بازخورد از مجریان برای اصلاح سیاست‌ها؛ ضعف سیاستگذاری مشارکتی بدون در نظر گرفتن نیازهای واقعی دانشگاه‌ها و دانشجویان
	ضعف نظارت و ارزیابی یکپارچه	نبود مکانیزم‌های نظارتی مشترک بین نهادها؛ ارزیابی نشدن اثربخشی سیاست‌ها به صورت نظام‌مند؛ نبود سیستم یکپارچه ارزیابی در راستای شفافیت فرایندها و پاسخگو کردن نهادها
کاستی تطابق رشته‌ها با نیازهای بازار کار	کاستی تطابق رشته‌ها با نیازهای بازار کار	تربیت نیروی انسانی بدون توجه به نیازهای صنعت و جامعه؛ وجود داشتن رشته‌هایی با نرخ بیکاری بالا؛ نبود ارتباط دانشگاه‌ها با صنایع در طراحی رشته‌ها
	نبود نظام به‌روزرسانی رشته‌ها با نیازهای	ضعف بازنگری سالانه رشته‌ها؛ فرایند طولانی اصلاح برنامه‌های درسی؛ نبود شاخص‌های پیش نیازهای بازار کار

گرایش شدید به رشته‌های پزشکی و بی‌توجهی به برخی از رشته‌های علوم پایه؛ کاهش متقاضیان برخی از رشته‌های فنی و علوم انسانی؛ نیاز به مشوق‌های مالی برای جذب به رشته‌های استراتژیک	<b>واقعی بازار کار</b> کاهش اقبال به رشته‌های مورد نیاز
نبود سامانه پایش مستمر رشته‌ها؛ نبود ارزیابی اثرگذاری سیاست‌ها؛ نبود مکانیزم اصلاح سریع خطاها	ضعف در نظام پایش و ارزیابی
پرداخت‌های نقدی بدون برنامه جامع حمایتی؛ بی‌توجهی به بسته‌های حمایتی ترکیبی؛ اولویت دادن به کمک هزینه‌های نقدی بر سایر حمایت‌ها	<b>مغفول ماندن حمایت‌های غیرمادی و انگیزشی</b> تأکید صرف بر حمایت‌های مالی
نبود سیستم‌های انگیزشی غیرمالی؛ کم‌توجهی به سلامت روان دانشجویان	غفلت از نیازهای روان‌شناختی
نبود سیستمی مناسب برای ارتباط با صنعت؛ کم‌توجهی به کارآموزی و مهارت‌آموزی؛ بهره نبردن از ظرفیت دانش‌آموختگان موفق	ضعف در شبکه‌سازی و ارتباطات
ضعف در برنامه‌های جانبی آموزشی؛ کم‌توجهی به مهارت‌های نرم؛ محدودیت در فرصت‌های بین‌المللی	کمبود فرصت‌های توسعه فردی
نبود تداوم برنامه‌های حمایتی؛ حمایت‌های موردی بدون پیوستگی؛ نبود چارچوب زمانی مشخص برای حمایت‌ها؛ استفاده نشدن از بانک‌های اطلاعاتی استعدادها	<b>ضعف در استمرار و جامعیت حمایت‌های ارائه شده</b> حمایت‌های مقطعی و نامستمر
تمرکز صرف بر حمایت مالی؛ غفلت از نیازهای روانی - اجتماعی؛ نادیده گرفتن تفاوت‌های فردی	نبود پوشش همه‌جانبه نیازها
تخصیص نامتوازن بین دانشگاه‌ها؛ تفاوت در حمایت از مقاطع مختلف؛ تبعیض بین رشته‌های مختلف (پزشکی با غیر پزشکی)	ناابرابری در توزیع حمایت‌ها
یکسان‌سازی روش‌های حمایتی؛ نبود سازوکارهای متنوع؛ بی‌توجهی به تغییر نیازها	ضعف انعطاف‌پذیری در شیوه‌های حمایتی
کم‌توجهی به دانشجویان با نیازهای ویژه؛ غفلت از دانشجویان مناطق محروم؛ نبود حمایت کافی از دانشجویان متأهل	ضعف در پوشش گروه‌های خاص

یافته‌های حاصل از سؤال اول پژوهش که شامل مضامین، مقوله‌ها و گویه‌های مرتبط با چالش‌های اجرایی شدن سیاست حمایت از دانشجویان مستعد و ممتاز (موضوع بند «ب» ماده «۹۶» قانون برنامه هفتم پیشرفت) بود، در شکل ۱ ارائه شده است.

#### شکل ۱.

مضامین، مقوله‌ها و گویه‌های حاصل دیدگاه مشارکت‌کنندگان پژوهش در پاسخ به سؤال اول



## سؤال ۲. الزامات اجرایی شدن سیاست حمایت از دانشجویان مستعد و ممتاز کدام‌اند؟

یکی از الزامات اجرایی شدن سیاست حمایت از دانشجویان مستعد و ممتاز الزامات ساختاری است که مستلزم ایجاد چارچوبی نظام‌مند و یکپارچه است. به نظر می‌رسد که ابتدا به نهاد یا شورایی هماهنگ‌کننده متشکل از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت، سازمان برنامه و بودجه و بنیاد ملی نخبگان نیاز است تا از موازی‌کاری و پراکندگی تصمیمات جلوگیری شود. این نهاد یا شورای هماهنگی با داشتن اختیارات کافی می‌تواند هماهنگ‌کننده سیاست‌های حمایت از دانشجویان باشد و بر اجرای آن نظارت داشته باشد. همچنین لازم است مأموریت‌های نهادهای موجود مانند صندوق رفاه دانشجویان بازتعریف شود تا تناقضات موجود بین حمایت از دانشجویان کم‌بضاعت و مستعد با سایر دانشجویان به‌ویژه دانشجویان مستعد و ممتاز که در اینجا مد نظر است، برطرف شود. به نظر می‌رسد که ساختار جدید باید به‌گونه‌ای طراحی شود که امکان مشارکت مؤثر دانشگاه‌ها و مراکز علمی در فرایند تصمیم‌گیری و اجرا را فراهم آورد. این رویکرد نه تنها شفافیت و پاسخگویی را افزایش می‌دهد، بلکه تضمین می‌کند سیاست‌های اتخاذ شده مبتنی بر نیازهای واقعی نظام علمی کشور و شرایط عملیاتی دانشگاه باشد. چنین ساختاری می‌تواند زمینه تحقق اثربخش برنامه‌های حمایتی و جلوگیری از اتلاف منابع را فراهم کند. در این زمینه مشارکت کنندگان در پژوهش با اشاره به مواردی همچون ساختار مشخص برای نهاد متولی حمایت، لزوم وجود ساختاری منسجم برای شناسایی دانشجویان مستعد، لزوم ساختار نظارتی شفاف و ... به برخی از الزامات ساختاری تأکید کردند که نکات آنها به شرح زیر است: "صندوق شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری (عتف) باید متولی اصلی تأمین مالی باشد، نه صندوق رفاه دانشجویان. صندوق‌های علمی در دنیا این‌گونه حمایت‌ها را انجام می‌دهند، نه صندوق‌های رفاهی"؛ "کشور به‌شدت نیازمند ایجاد ساختار یکپارچه در سیاستگذاری علم و فناوری است. در حال حاضر صندوق‌ها، بنیاد نخبگان، معاونت علمی و وزارت علوم به‌صورت جزیره‌ای عمل می‌کنند"؛ "باید سازوکار قانونی برای بازنگری دوره‌های رشته‌ها ایجاد شود تا رشته‌های غیرضرور به‌صورت ساختاری حذف شوند، نه با تصمیمات مقطعی"؛ "هر گونه حمایت مالی نیازمند ساختار نظارتی شفاف با حضور نهادهای مستقل است تا از تبدیل شدن این حمایت‌ها به ابزار رانت جلوگیری شود".

یکی دیگر از الزامات، الزامات مالی اجرای سیاست‌های حمایتی است که در این پژوهش شناسایی شده است. الزامات مالی مستلزم تخصیص بودجه‌ای پایدار و هدفمند است. نخستین ضرورت، پیش‌بینی اعتبارات کافی در لوایح بودجه سالانه با روند افزایشی متناسب با رشد تعداد دانشجویان واجد شرایط است، به طوری که از سال اجرا تا سال پایانی برنامه هفتم پیشرفت، بودجه مورد نیاز به صورت پلکانی افزایش یابد. دومین الزام، شفافیت در تخصیص و هزینه‌کرد منابع مالی است که باید تحت نظارت هیئت امنای متشکل از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت اقتصاد و سازمان برنامه و بودجه صورت گیرد. همچنین ایجاد سازوکارهای نظارتی برای جلوگیری از پراکندگی و اتلاف منابع از طریق یکپارچه‌سازی درگاه‌های پرداخت و سیستم‌های گزارش‌دهی مالی ضروری است. این الزامات مالی در کنار ایجاد تنوع در منابع تأمین اعتبار از محل بودجه عمومی، مشارکت صنایع و بخش خصوصی، می‌تواند پشتوانه محکمی برای تحقق اهداف برنامه باشد. مشارکت‌کنندگان در پژوهش نیز بر اولویت‌بندی حمایت مالی از دانشجویان، لزوم حمایت معنادار و اثربخش، لزوم ورود سایر صندوق‌ها برای تأمین مالی، ساماندهی هزینه‌های هتلینگ برای بازگشت به نظام آموزش عالی در قالب تسهیلات و حمایت‌ها، لزوم تخصیص به موقع بودجه و ... به شرح زیر تأکید داشتند: " ما بودجه به اندازه کل دانشجویان نداریم، بنابراین نحوه انتخاب دانشجویان بسیار مهم است. باید حقوق ماهیانه پژوهشگران دوره دکتری به اندازه ۱,۵ تا ۲ برابر حداقل حقوق وزارت کار پرداخت شود؛ " پرداخت ۵ میلیون تومان در ماه چه مشکلی از دانشجوی دکتری حل می‌کند؟ این مبلغ در گذشته به شکست انجامید و فقط باعث هدررفت منابع شد. باید حمایت‌ها معنادار و اثربخش باشد تا دانشجو بتواند تمام وقت به پژوهش بپردازد؛ " منابع مالی صندوق رفاه دانشجویان پاسخگوی این حمایت‌ها نیست. بهتر است صندوق شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری (عتف) متولی تأمین مالی باشد؛ " اگر مبالغ پیش‌بینی شده توسط صندوق رفاه دانشجویان در بودجه امسال دیده نشود، عملاً سال تحصیلی ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ را از دست می‌دهیم. باید در جداول بودجه این موضوع تصویب شود."

در این زمینه، الزام به تأمین منابع مالی پایدار را می‌توان به معنای ایجاد منابع مالی قابل پیش‌بینی، بلندمدت و متنوع برای حمایت مستمر از دانشجویان مستعد و ممتاز در نظر گرفت. موضوعی که بر اساس اصول کلیدی نظریه سرمایه انسانی نیز اهمیت ویژه‌ای دارد، چرا که سرمایه‌گذاری بر روی مهارت‌ها و دانش این افراد با ارتقای بهره‌وری، درآمد آینده و رشد اقتصادی ارتباط مستقیم دارد. ویژگی مهم این نوع از تأمین منابع مالی مستقل بودن آن از نوسانات اقتصادی یا تغییرات مقطعی بودجه‌های دولتی است. این در حالی است که یکی از چالش‌های همیشگی حمایت از دانشجویان به‌ویژه دانشجویان ممتاز ضعف در حمایت‌های مالی و نوسانات مرتبط با آن است. کم‌توجهی به چنین الزامی می‌تواند فرصت‌های برابر را از دسترس دانشجویان کم‌بضاعت دور سازد و به شکاف میان گروه‌ها منجر شود. مشارکت‌کنندگان در پژوهش نیز در خصوص تأمین مالی به این موارد توجه داشتند: " تعداد دانشجویان تحت حمایت را می‌توان کمتر در نظر گرفت، اما حمایت مکفی صورت گیرد؛ " قانون باید ضمانت اجرایی داشته باشد. منابع مالی باید در جداول بودجه به‌طور شفاف پیش‌بینی شود؛ " دانشگاه‌ها باید مدیریت هزینه‌ها را بر عهده بگیرند. دولت باید یارانه‌ها را هدفمند کند."

از دیگر الزامات مورد نیاز برای اجرایی‌سازی سیاست حمایت از دانشجویان مستعد و ممتاز می‌توان به الزامات سیاستی اشاره کرد. با بررسی آیین‌نامه اجرایی بند «ب» ماده «۹۶» قانون برنامه هفتم پیشرفت که در تاریخ ۱۴۰۳/۱۰/۳۰ توسط هیئت وزیران به تصویب رسیده است، به نظر می‌رسد که نخستین الزام سیاستی دستیابی به تعاریفی روشن، جامع، مانع و تفسیرناپذیر در خصوص عبارات «رشته‌های مورد نیاز کشور» و «دانشجوی مستعد و ممتاز» است، چرا که تعاریف ارائه شده در آیین‌نامه یادشده ویژگی‌های مذکور را ندارند و یکی از دلایل اجرا نشدن سیاست‌ها را می‌توان به ابهامات آیین‌نامه‌های اجرایی مربوط دانست، همان‌گونه که در نظریات عدالت آموزشی و سرمایه انسانی آشکارا تأکید شده است. به بیان دیگر، شناخت دقیق از دانشجوی مستعد و ممتاز اولین گام در اجرای این سیاست است. پرواضح است که تعریف «رشته‌های مورد نیاز کشور» باید به صورت مستمر و همراه با رصد مداوم و پویای تحولات علمی و فناورانه باشد. علاوه بر این، پیاده‌سازی مطلوب هر سیاستی نیازمند طراحی بسته سیاستی جامع و یکپارچه است که سیاست حمایت از دانشجویان مستعد و ممتاز نیز از این امر مستثنا نیست.

در خصوص موضوع سیاست حاضر طراحی بسته‌های حمایتی ترکیبی شامل حمایت‌های مالی (بورس و وام) و غیرمالی (مشارکت در پروژه‌های ملی، شبکه‌سازی و مشاوره شغلی) می‌تواند بخش‌هایی از آن باشد. از سوی دیگر، توجه به سیاست تمرکززدایی و تفویض اختیار به دانشگاه‌های برتر برای شناسایی دانشجویان ممتاز و طراحی برنامه‌های حمایتی متناسب با شرایط بومی، تضمین‌کننده اثربخشی سیاست‌ها خواهد بود. ایجاد پیوند نظام‌مند بین تحصیل و اشتغال از طریق توسعه بورس‌های صنعتی و تضمین شغلی نیز به‌عنوان مکمل

ضروری این سیاست‌ها محسوب می‌شود. این الزامات در صورت تحقق می‌توانند نظام حمایتی را از حالت فعلی تک‌بعدی و مقطعی به سیستمی پایدار و جامع تبدیل کنند. درخصوص «الزامات سیاستی» گزاره‌هایی توسط مشارکت‌کنندگان در پژوهش ارائه شد: " یکی از موانع اصلی تحقق سیاست حمایت از دانشجویان مستعد، وجود ابهامات در آیین‌نامه اجرایی مصوب است که همچنان محل بحث میان صاحب‌نظران و سیاستگذاران است؛ " نباید حمایت از دانشجویان تنها به یک مقطع خاص محدود شود. بسته‌سیاستی باید جامع، برای همه مقاطع و با اجزای مشخص باشد؛ " دولت باید نقش سیاستگذار و ناظر را ایفا کند و اجرای برنامه‌های حمایتی را به دانشگاه‌ها واگذار نماید تا هر دانشگاه بر اساس ظرفیت‌های خود برنامه‌ریزی کند؛ " حمایت‌ها باید در زمینه‌های مختلفی مانند کمک‌هزینه تحصیل، تسهیلات مالی، خوابگاه، تسهیل در نظام‌وظیفه، اعطای گزینش‌های پژوهشی، پذیرش در مقاطع بالاتر، مهاجرت معکوس و تجاری‌سازی ایده‌ها طراحی شود."

برای اجرای مؤثر سیاست حمایت از دانشجویان مستعد و ممتاز توجه به الزامات نظارتی انکارناپذیر به نظر می‌رسد. این الزامات شامل چند محور کلیدی مانند ایجاد سازوکارهای شفاف و دقیق برای ارزیابی مستمر عملکرد دانشگاه‌ها و نهادهای متولی در اجرای سیاست‌ها، طراحی نظام نظارتی کمی و مبتنی بر شاخص‌های قابل اندازه‌گیری، تقویت نقش هیئت‌های امانا و نهادهای ناظر مستقل برای جلوگیری از سوءمدیریت منابع و اطمینان از توزیع عادلانه حمایت‌ها میان دانشجویان واجد شرایط، نظارت بر انعطاف‌پذیری سیاست‌ها در تطابق با تغییرات نیازهای بازار کار و اولویت‌های ملی، ایجاد سامانه‌های یکپارچه رصد عملکرد دانشجویان تحت پوشش و وجود هیئت‌های منصفه برای نظارت بر شناسایی دانشجویان مستعد و ممتاز و وجود شفافیت و پیگیری توسط دانشجویان است. علاوه بر موارد یادشده، مشارکت‌کنندگان در پژوهش نیز به برخی از الزامات اشاره داشتند. یکی از مشارکت‌کنندگان با تأکید بر لزوم نظارت دقیق بر تخصیص منابع این‌گونه اظهار کرد: " هر چقدر ما شفاف، عملیاتی و دقیق بر حوزه و حیطه کاری که مد نظر داریم، متمرکز شویم، قطعاً می‌توانیم منابع را هم به‌صورت مشخص در اختیار قرار بدهیم." مشارکت‌کننده دیگری با اشاره به ضرورت نظارت بر اثربخشی حمایت‌ها اظهار کرد: " اگر یک آسیب‌شناسی انجام شود، می‌بینیم که در حال حاضر دولت از دانشجویان روزانه به روش‌های مختلفی حمایت می‌کند ... ولی سؤال این است که چرا این حمایت‌ها در نگهداشت دانشجویان ممتاز و نخبه و سرمایه‌های انسانی کارایی لازم را نداشته‌اند."

دیگر الزام مربوط به اجرای سیاست حمایت از دانشجویان مستعد و ممتاز در قالب الزامات بین‌بخشی قابل بحث است؛ بدین معنا که حمایت مؤثر از دانشجویان مستعد و ممتاز مستلزم هماهنگی ساختاریافته میان نهادهای مختلف متولی است. این الزام به سازوکارهای همکاری مستمر بین وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت، سازمان برنامه و بودجه و بنیاد ملی نخبگان برای تدوین سیاست‌های یکپارچه و جلوگیری از موازی‌کاری اشاره دارد. همچنین از این منظر تبادل اطلاعات بین دانشگاه‌ها، صنایع و مراکز پژوهشی برای انطباق رشته‌های حمایت‌شده با نیازهای واقعی بازار کار و اولویت‌های ملی می‌تواند مد نظر قرار گیرد. تشکیل کارگروه‌های مشترک بین‌وزارتی به‌ویژه بین وزارتخانه‌های علوم و بهداشت برای همسازسازی معیارهای شناسایی دانشجویان مستعد و شیوه‌های حمایتی، مورد دیگری از این الزام می‌تواند تلقی شود. از سوی دیگر، هماهنگی بین صندوق رفاه دانشجویان، بانک‌ها و نهادهای مالی برای تسهیل اعطای وام‌ها و تسهیلات دانشجویی با نرخ‌های ترجیحی لازم به نظر می‌رسد. در انتهای زنجیره نیز ایجاد پیوند دانشگاه‌ها با صنعت و دستگاه‌های اجرایی برای جذب دانش‌آموختگان مستعد در مشاغل مرتبط با تخصص‌شان می‌تواند به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های الزام بین‌بخشی مؤثر واقع شود. در این زمینه می‌توان به نظرهای مشارکت‌کنندگان در پژوهش نیز مراجعه کرد. یکی از مشارکت‌کنندگان با تأکید بر لزوم حکمرانی یکپارچه اظهار می‌دارد: " صندوق‌ها برای خود، بنیاد نخبگان، معاونت علمی، سازمان امور دانشجویان، وزارت علوم و ... هر کدام برای خود کار می‌کنند. هم در تصمیم‌گیری و هم در اجرا به‌صورت کاملاً پراکنده و موازی‌کاری‌ها پیش می‌رود." مشارکت‌کننده دیگر با تأکید بر ضرورت انعقاد تفاهم‌نامه میان دستگاه‌ها بر این عقیده است: " ما در بنیاد ملی نخبگان با وزارت علوم و وزارت بهداشت برنامه‌های مشترک طراحی می‌کنیم، اما نیاز به هماهنگی بیشتر داریم." مشارکت‌کننده دیگری با اشاره بر لزوم مشارکت ذینفعان تأکید کرد که " دانشگاه‌ها باید در طراحی سیاست‌ها مشارکت داده شوند، نه صرفاً اجرا کننده دستورات بالا به پایین باشند."

#### جدول ۴.

مضمین، مقوله‌ها و گویه‌های حاصل از دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان در پژوهش در پاسخ به سؤال دوم

گویه

مقوله

مضمون

وجود نهاد (شورای عالی) هماهنگ کننده؛ ارتقای انسجام میان دستگاه‌های متولی؛ لزوم انسجام در فرایند تصمیم‌گیری	نظام یکپارچه سیاستگذاری	<b>الزامات ساختاری</b>
در نظر گرفتن اعتبارات بلندمدت؛ کاهش وابستگی به اعتبارات مقطعی؛ تأمین بخشی از اعتبارات از منابع اختصاصی ایجاد مکانیزم نظارتی مؤثر؛ جمع‌آوری و دستیابی به داده‌های دقیق؛ انجام دادن ارزیابی عملکرد مستمر	ساختار مالی پایدار سامانه‌های پایش و ارزیابی	
تنظیم آیین‌نامه‌های کارآمد، شفاف و تفسیرناپذیر؛ ایجاد ضمانت‌های اجرایی قوی	چارچوب‌های قانونی شفاف	
تلاش برای کاهش وابستگی به اعتبارات سالانه دولتی؛ افزایش منابع درآمدی اختصاصی؛ پیش‌بینی بلندمدت اعتبارات	دستیابی به منابع مالی پایدار	
توزیع متناسب و عادلانه منابع در رشته‌ها و دانشگاه‌های مورد نیاز؛ توجه به مناطق کمتر توسعه‌یافته؛ اختصاص عادلانه منابع بین رشته‌ها و مقاطع تحصیلی	توزیع متوازن منابع	<b>الزامات مالی</b>
جلوگیری از هزینه‌های غیرضروری اداری؛ مدیریت کارآمدتر بودجه و اعتبارات؛ نظارت مستمر بر هزینه‌کرد اعتبارات	ممانعت از هدررفت منابع مالی	
ضرورت ارائه گزارش‌های دوره‌ای؛ الزام به پاسخگویی؛ شفافیت در تخصیص منابع مالی	شفافیت مالی	
استفاده از مشارکت مردمی؛ به‌کارگیری ظرفیت‌های بخش خصوصی؛ استفاده از راهکارهای خلاقانه در جذب منابع	بهره‌گیری از سازوکارهای نوین مالی	
تنظیم سند راهبردی یکپارچه؛ ممانعت از موازی‌کاری نهادهای سیاستگذار؛ تعارض در تصمیم‌گیری‌ها	افزایش انسجام در سیاستگذاری	
اتخاذ سیاست‌های بلندمدت و ممانعت از تغییر مکرر سیاست‌ها؛ برنامه‌ریزی مستمر و مبتنی بر سیاست‌ها؛ وابستگی به سیاست‌ها و برنامه‌ها به جای وابستگی به افراد	ثبات سیاستی	<b>الزامات سیاستی</b>
طراحی سازوکارهای اجرایی مناسب؛ تقویت بانک‌های اطلاعاتی و داده‌ها؛ اصلاح سیاست‌های ناکارآمد	تقویت بعد اجرایی سیاست‌ها	
ترغیب استادان و دانشگاه‌ها به مشارکت فعال در سیاستگذاری؛ استفاده از نظرها و دیدگاه‌های دانشجویان؛ ایجاد زمینه مشارکت صنعت و جامعه؛ تمرکززدایی از فرایندها در راستای مشارکت بیشتر افراد و گروه‌ها و تحقق سیاستگذاری مشارکتی	ارتقای مشارکت ذینفعان	
طراحی مکانیزم‌های هماهنگی بین‌بخشی؛ شفافیت در تقسیم وظایف و مسئولیت‌ها	تقویت هماهنگی بین‌سازمانی	
ارتقای کیفیت نیروی انسانی متخصص در این حوزه؛ به‌روزرسانی و تقویت امکانات و تجهیزات؛ تخصیص بودجه اجرایی کافی	تقویت منابع مورد نیاز برای اجرای سیاست	<b>الزامات اجرایی</b>
اصلاح ساختارها و چابک‌سازی آنها؛ ایجاد انگیزه برای ارتقای نوآوری؛ تفویض اختیار و مسئولیت	آماده ساختن شرایط برای تغییر	
طراحی شاخص‌های دقیق عملکردی؛ پایش مستمر فرایند اجرا و عملکرد؛ ارائه بازخوردهای مستمر	تقویت نظارت و ارزیابی	
ارزیابی سالانه عملکرد مدیران و برنامه‌ها؛ پایش مداوم اثربخشی حمایت‌های مالی و غیرمالی؛ نظارت بر تخصیص بودجه و جلوگیری از اتلاف منابع	نظارت مستمر بر اجرای سیاست‌ها	
انتشار عمومی گزارش‌های مالی و عملکردی؛ ایجاد سامانه‌های شفاف برای رصد هزینه‌ها و امکان اعتراض افراد غیرمشمول؛ نظارت بر انطباق حمایت‌ها با اهداف تعیین شده	شفافیت در تخصیص منابع	
نظارت بر بهبود امکانات رفاهی (خوابگاه، تغذیه و بهداشت)؛ پایش رضایت دانشجویان از حمایت‌های دریافت شده؛ ارزیابی تأثیر حمایت‌ها بر کاهش مهاجرت و افزایش بهره‌وری علمی	ارزیابی کیفیت زندگی دانشجویی	<b>الزامات نظارتی</b>

کاهش دخالت‌های غیرضروری دولت در مدیریت دانشگاه‌ها؛ تعریف سازوکارهای واگذاری بخشی از فرایند تعیین رشته‌ها و حمایت‌ها به دانشگاه‌های برتر؛ ارزیابی عملکرد دانشگاه‌ها در جذب و نگهداشت دانشجویان مستعد

به‌روزرسانی سالانه رشته‌ها بر اساس آمارها و داده‌های مربوط؛ نظارت بر تطابق رشته‌های حمایت‌شده با نیازهای صنعت و جامعه؛ ارزیابی تأثیر حمایت‌ها بر جذب دانشجویان به رشته‌های کم‌اقبال؛ نظارت بر کیفیت آموزش و پژوهش در رشته‌های حمایت‌شده

تعیین نقش و مسئولیت هر نهاد در حمایت از دانشجویان؛ ایجاد سازوکارهای نظارت و ارزیابی مشترک؛ جلوگیری از موازی‌کاری در ارائه خدمات؛ طراحی برنامه‌های درسی متناسب با نیازهای صنعت؛ ایجاد بانک اطلاعاتی یکپارچه دانشجویان مستعد؛ طراحی بسته‌های حمایتی متنوع و هدفمند با همکاری نهادها  
ایجاد مراکز مشترک پژوهشی و فناوری بین دانشگاه و سایر بخش‌ها؛ اجرای طرح‌های کارآموزی و کارورزی هدفمند؛ همکاری دانشگاه و صنعت در حمایت از پایان‌نامه‌های کاربردی

کاهش تصدی‌گری دولت و ارتقای نظارت بر دانشگاه‌ها

پایش رشته‌های مورد نیاز کشور

همکاری بین نهاد‌های سیاستگذار

هماهنگی بین دانشگاه و سایر بخش‌ها (صنعت، جامعه و ...)

### الزامات بین‌بخشی

یافته‌های حاصل از پاسخ به سؤال دوم پژوهش در شکل ۲ قابل مشاهده است.

### شکل ۲.

مضامین، مقوله‌ها و گویه‌های حاصل دیدگاه مشارکت‌کنندگان پژوهش در پاسخ به سؤال دوم



### بحث و نتیجه‌گیری

بخشی از تکالیف دستگاه‌های اجرایی توسط قوانین برنامه‌های توسعه (پیشرفت) تعیین می‌شود که معمولاً در برش‌های سالانه قوانین بودجه نیز مد نظر قرار می‌گیرد و زمینه‌های اجرایی شدن آنها فراهم می‌شود. درخصوص حمایت از دانشجویان به‌ویژه دانشجویان مستعد و ممتاز، در بند «ب» ماده «۹۶» قانون برنامه هفتم نیز با تکلیف صندوق‌های رفاه دانشجویان به پرداخت کمک‌هزینه به این گروه از دانشجویان به شرط تحصیل در رشته‌های مورد نیاز کشور و حفظ کیفیت، به این سیاست توجه شده است. اجرای هر سیاستی هرچند که

مبنای قانونی مصوب از سوی مجلس شورای اسلامی را هم داشته باشد، می‌تواند با چالش‌هایی همراه باشد. از این رو، در سؤال اول پژوهش به چالش‌های اجرایی شدن سیاست مذکور در قالب بند «ب» ماده «۹۶» قانون برنامه هفتم پرداخته شد. چالش‌های مربوط به اجرایی شدن این سیاست توسط مشارکت‌کنندگان در پژوهش پس از مصاحبه با ۱۵ نفر از صاحب‌نظران و سیاستگذاران و برگزاری پنل خبرگان، مواردی مانند محدودیت اعتبارات مالی، نبود انسجام و هماهنگی کافی میان نهادها و دستگاه‌های سیاستگذار و متولی، نبود تطابق کامل رشته‌های دانشگاهی با نیازهای واقعی بازار کار و به‌روز نبودن محتوای آموزشی، مغفول ماندن حمایت‌های غیرمادی و انگیزشی و ضعف استمرار و جامعیت در حمایت‌های ارائه شده را نشان داد. یافته‌های حاصل از سؤال اول با یافته‌های برخی از مطالعات (Mortazavi et al., 2022; Haghi et al., 2014; Kiani et al., 2018) که بر مواردی مانند ضعف انسجام و هماهنگی میان نهادها و دستگاه‌های متولی، کافی نبودن امکانات و تسهیلات رفاهی، ضعف اعتبارات و تخصیص نادرست به‌عنوان چالش‌های مرتبط با حمایت از دانشجویان به‌طور کلی و مستعدان و ممتازان به‌صورت ویژه تأکید داشتند، همسویی دارد. علاوه بر این، با توجه به نظر مشارکت‌کنندگان در پژوهش، انعطاف‌پذیری در حمایت از دانشجویان مستعد و ممتاز لازمه سیاستگذاری هدفمند و موفق است، همان‌طور که حاتمی و همکاران (Hatami, Kamali & Roshan, 2023) پس از مطالعه تجربه حکمرانی آموزش عالی کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی، تنوع‌پذیری حمایتی در تأمین منابع مالی را به‌عنوان یکی از تجارب موفق در تدبیر امور مالی این کشورها نام برده‌اند.

موارد دیگری از چالش‌ها که با توجه به تأکید مشارکت‌کنندگان در پژوهش به نظر می‌رسد اهمیت بیشتری دارد، تعاریف مربوط به دانشجوی مستعد و همچنین رشته‌های مورد نیاز کشور است. پورآتشی (Pouratashi, 2018) نیز با مطالعه تعاریف مربوط به دانشجوی مستعد در کشورهای نظیر استرالیا، آلمان، انگلستان، کره جنوبی، هلند، سوئیس و سنگاپور به این نتیجه رسید که باید از معیارهای همه‌جانبه‌ای که نشان‌دهنده توجه به توانمندی‌های مختلف و چندبعدی فرد در تعریف این مفهوم است و پتانسیل فرد برای عملکرد برجسته در زمینه‌های فکری، عاطفی، اجتماعی، هنری، ورزشی را مشخص می‌سازد، استفاده شود؛ امری که در آیین‌نامه اجرایی حکم بند «ب» ماده «۹۶» چندان به آن توجه نشده و فقط به عملکرد تحصیلی و معدل نمرات واحدهای درسی به‌عنوان شاخصی برای شناسایی دانشجوی مستعد و ممتاز تکیه شده است. موضوعی که می‌تواند از منظر عدالت آموزشی نیز بسیار مهم باشد، چرا که شناسایی نشدن دقیق فرد مستعد و ممتاز حمایت عادلانه را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، به‌طوری که نیازهای آنان از جنبه‌های مختلف بی‌پاسخ می‌ماند و توسعه فرد آن‌گونه که در نظام آموزش عالی مورد انتظار است، محقق نخواهد شد.

درخصوص تعاریف رشته‌های مورد نیاز کشور نیز همان‌گونه که مشارکت‌کنندگان در پژوهش اشاره کردند، یکی از چالش‌های اجرایی سازی سیاست حمایت از دانشجویان مستعد و ممتاز نبود تطابق رشته‌های دانشگاهی با نیازهای واقعی بازار کار است. از این منظر نیز آیین‌نامه اجرایی تعریف «رشته‌های مورد نیاز» را «رشته/محل‌های اولویت‌دار کشور در مقاطع تحصیلی کارشناسی و بالاتر که هر ساله توسط وزارتین تعیین می‌شود»، تعریف می‌کند. همان‌گونه که مشخص است، معیاری برای شناسایی دقیق این رشته‌ها تعیین نشده است. بنابراین، به نظر می‌رسد که در مرحله اجرا نیز چالش بسیاری در این زمینه برای مجریان به وجود خواهد آمد.

از نکات مهم دیگر که در یافته‌های پژوهش به آن اشاره شد، نیاز به در نظر گرفتن شاخص‌های اجتماعی و ارتباطی در تعیین دانشجوی مستعد و ممتاز است. دانشجوی مستعد و ممتاز علاوه بر ارائه عملکرد مطلوب در تحصیل و آموزش (که از الزامات اولیه دانشجویی است) در شاخص‌های اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و مشارکت‌جویی نیز عملکرد قابل قبولی از خود ارائه می‌دهد. توجه به این توانمندی‌ها در کنار نمره معدل می‌تواند دانشجویانی پرنگیزه و مستعد را در چتر حمایت سیاستگذار برای بالندگی بیشتر و اثرگذاری در امور کشور قرار دهد. همان‌طور که در امور دیگر نیز کسب این مهارت‌ها و توانمندی‌ها دانشجویان را در رقابت با سایرین در جایگاه برتر و بالاتر و موفق‌تری قرار می‌دهد. در این خصوص، فرنگ و همکاران (Farang, Ghahramani, Abolghasemi & Alami, 2022) در پژوهش خود شایستگی‌های فردی، اجتماعی، اخلاقی و حرفه‌ای را از جمله مؤلفه‌های اصلی اشتغال‌پذیری برای دانشجویان بر شمردند و حسینی و سلیمی (Hosseini & Salimi, 2025) کسب این شایستگی‌ها را در موفقیت پژوهشی دانشجویان و توسعه روابط ارشادگری پژوهشی میان دانشجویان دکتری و استادان راهنما مؤثر می‌دانند.

از چالش‌های دیگری که خبرگان به آنها اشاره کرده‌اند، توجه به نیازها و انتظارات دانشجویان به‌عنوان عوامل انگیزه‌بخش و مشوق در گرایش به رشته‌های مورد نیاز کشور است که به نظر می‌رسد افزایش کیفیت آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها، امیدبخشی به دانشجویان و چشم‌انداز روشن در خصوص بازار کار می‌تواند عوامل اثربخش‌تری در جذب دانشجویان به رشته‌ها باشد، همان‌گونه که حسینی‌لرگانی

(Hosseini Largani, 2025) در پژوهش خود مهم‌ترین عامل مؤثر بر نظر دانشجویان در حال تحصیل در رشته- دانشگاه‌های با بیشترین اقبال را ارتباط با بازار کار بیان می‌کند. بنابراین، در کنار پرداخت کمک‌هزینه به دانشجویان، توجه به مهم‌ترین خواسته و انتظار آنها که ارتباط با بازار کار است، می‌تواند عامل مؤثری بر گرایش به رشته‌های دانشگاهی مورد نیاز کشور باشد. آنچه مورد تأکید است این است که سیاستگذاری بدون در نظر گرفتن انتظار ذینفعان محکوم به هدررفت منابع خواهد بود. هرچند دریافت کمک‌هزینه و درآمدهای مالی برای دانشجویان خوشایند و انگیزه‌بخش است، اما انکارناپذیر نیست که به تنهایی و بدون در نظر گرفتن ارتباط با بازار کار، اثربخشی کافی را ندارد و اهداف قانون را به‌طور کامل محقق نخواهد کرد.

در پاسخ به سؤال دوم پژوهش که به شناسایی الزامات اجرایی شدن سیاست حمایت از دانشجویان مستعد و ممتاز اختصاص داشت، مشارکت‌کنندگان در پژوهش به موارد متعددی اشاره کردند که پس از تحلیل محتوا این موارد ذیل الزامات ساختاری، مالی، سیاستی، اجرایی، نظارتی و بین بخشی قرار گرفتند. موارد شناسایی شده به‌عنوان الزامات اجرایی با یافته‌های مطالعات کیانی و همکاران (Kiani et al., 2018) و حقی و همکاران (Haghi et al., 2014) درخصوص اصلاح ساختاری نظام آموزش عالی و هماهنگی میان نهادهای متولی در حمایت از دانشجویان همسو است. در این زمینه باید اشاره شود به‌دلیل تعدد و تنوع نهادی در حمایت از دانشجویان مانند صندوق‌های رفاه دانشجویان، بنیاد ملی نخبگان، سازمان امور دانشجویان و ... از یک سو و پیچیدگی ساختار بوروکراتیک موجود از سوی دیگر، اجرای سیاست‌ها با دشواری روبه‌روست که از این منظر به اصلاح ساختاری در دو بعد ساختار کلان و روابط نهادی نیاز است، به‌گونه‌ای که به انسجام بیشتری منجر شود و همچنین بهبود فرایندهای بوروکراتیک موجود که هدررفت منابع را در پی دارد، به‌عنوان یک الزام مطرح شود. سایر الزامات شناسایی شده مانند الزام مالی نیز با یافته‌های مطالعه مرتضوی و همکاران (Mortazavi et al., 2022) همسو است؛ بدین معنا که تأمین پایدار منابع مورد نیاز برای حمایت از دانشجویان، توزیع متناسب و عادلانه منابع میان رشته‌ها و همچنین ممانعت از هدررفت منابع مالی مؤلفه‌هایی است که رعایت آنها می‌تواند در اجرای شدن چنین سیاستی مؤثر واقع شود.

## پیشنهادها

با توجه به چالش‌ها و الزامات شناسایی شده، به نظر می‌رسد که پیشبرد سیاست حمایت از دانشجویان مستعد و ممتاز نیازمند برخی اقدامات است که در قالب پیشنهادهای سیاستی زیر ارائه شده است:

- تدوین قانون جامع حمایت از استعدادها برتر با تمرکز بر مسئولیت‌پذیری نهادی، عدالت آموزشی و پشتیبانی پایدار به‌دلیل ضعف انسجام میان دستگاه‌های مرتبط، وجود مقررات متعدد، هدررفت منابع، پراکندگی برنامه‌ها، نبود تعامل مطلوب و کافی میان نهادها و مشخص نبودن متولی اصلی در زمینه حمایت از دانشجویان مستعد و ممتاز؛
- تعریف سازوکارهای هماهنگ‌ساز بین وزارتین علوم و بهداشت، بنیاد نخبگان، دانشگاه‌ها و صنعت با هدف تقویت انسجام و جلوگیری از موازی‌کاری در نهادهای سیاستگذار متولی حوزه دانشجویی؛
- به‌کارگیری و مشارکت دانشجویان مستعد و ممتاز در پروژه‌های ملی، کارآفرینی، نیازمحور و مسئله‌محور به‌منظور اصلاح ساختارهای حمایتی و ضعف‌های موجود در استمرار حمایت‌ها؛
- طراحی نظام ارزیابی چندبعدی و تعیین شاخص‌های جامع برای شناسایی دانشجویان مستعد و ممتاز شامل نمره معدل، ویژگی‌های شخصیتی، انگیزشی، خلاقیت، پتانسیل رهبری، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، روحیه مشارکت‌جویی و ...؛
- رصد مستمر نیازهای بازار کار و اولویت‌های کشور و به‌روزرسانی رشته‌ها بر اساس نقشه‌های اشتغال کشور و ظرفیت دستگاه‌های استانی به‌منظور برطرف ساختن ضعف ارتباط رشته‌ها با نیازها و اولویت‌ها؛
- رفع ابهامات «آیین‌نامه اجرایی بند «ب» ماده «۹۶» قانون برنامه پنج‌ساله هفتم درخصوص پرداخت کمک‌هزینه تحصیلی به دانشجویان مستعد و ممتاز» به‌ویژه تعاریف ارائه شده درخصوص «دانشجوی مستعد و ممتاز» و «رشته‌های مورد نیاز کشور» در «شیوه‌نامه اجرایی» و لزوم ایجاد همکاری بین بخشی در تدوین شیوه‌نامه به‌صورت دقیق، شفاف و عملیاتی به‌منظور ایجاد ضمانت اجرایی برای تأمین اعتبار این حکم در نظام بودجه‌ریزی کشور؛
- تعیین میزان و نوع الگوهای حمایتی متناسب با پایش و شناخت واقعی داوطلبان و ذائقه نسل امروز به‌منظور تحقق حمایت اثربخش و در جهت ممانعت از هدررفت منابع و هزینه‌کرد بهینه اعتبارات؛

- تعیین رشته‌های مورد نیاز بر اساس آمارهای سازمان سنجش کشور، سامانه‌های رصد بازار کار و متناسب با شرایط روز به‌منظور برطرف ساختن ضعف به‌روزرسانی رشته‌ها؛
- پیوند نهادهای سیاست‌پژوه با سیاستگذاران و دستگاه‌های اجرایی برای رصد مداوم و پویای وضعیت پذیرش دانشجویان، رشته‌ها، کمیت و کیفیت موجود و مطلوب در این زمینه و احصای تغییرات مورد نیاز در سطح سیاستگذاری به‌منظور تقویت ارتباط رشته‌ها با نیازها و اولویت‌ها؛
- لزوم شبکه‌سازی مستعدان و بهره‌مندی از ظرفیت دانشجویان در سیاستگذاری آموزشی در حین تحصیل و پس از آن؛
- حمایت مالی به همراه ارائه برخی تسهیلات از جمله در اولویت قرار دادن واگذاری خوابگاه به متاهلان برای دانشجویان مستعد و ممتاز در رشته‌های مورد نیاز کشور برای تنوع‌بخشی به حمایت‌ها؛
- افزایش زمینه به‌کارگیری نخبگان در امور کشور به‌منظور افزایش احساس اثربخشی، امنیت شغلی و امیدآفرینی و ارتقای حمایت‌های غیرمادی و انگیزشی؛
- توجه به اصول شایسته‌سالاری و شفافیت و امکان پیگیری تمام واجدان شرایط در تعیین رشته‌های مورد نیاز کشور به‌منظور تحقق هرچه بیشتر عدالت؛
- تقاضامحور کردن آموزش عالی در جهت بهبود وضعیت تأمین مالی آموزش و رفع محدودیت اعتبارات؛
- توجه به نیاز مستعدان به تحصیل در محیط دانشگاهی باکیفیت و استفاده از دانش تخصصی خود در محیط کار مرتبط به‌منظور مرتبط ساختن تخصص با نیاز بازار کار و دانش مورد نیاز آن حوزه؛
- ایجاد شفافیت در توزیع منابع مالی برای اجرای هدفمند و اثربخش حکم، به‌منظور کاهش چالش‌های تخصیص منابع به دانشگاه‌ها.

## تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

## References

- Balakireva, E. I. (2018). Discovering and Supporting Gifted Students in Conditions of University Educational Environment. *Tambov University Review. Series: Humanities*, 23(177), 145-150. Chicago
- Castellano, J. A., & Chandler, K. L. (2022). *Identifying and Serving Diverse Gifted Learners*. Routledge.
- Cavilla, D. (2014). Thoughts on access, differentiation, and implementation of a multicultural curriculum. *Gifted Education International*, 30(3), 281-287.
- Cazgo, S. (2024). Attention to special educational needs in highly gifted university students: impact on training and inclusivity. *Migration Letters: an International Journal of Migration Studies*, London, 21(S7), 1415-1426.
- Farang, M., Ghahramani, M., Abolghasemi, M., & Alami, F. (2022). Identifying the dimensions and key components of employability of graduates of undergraduate behavioral sciences programs. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 28(4), 95-117. (in Persian)
- Ford, D. Y., Wright, B. L., & Trotman Scott, M. (2020). A matter of equity: Desegregating and integrating gifted and talented education for under-represented students of color. *Multicultural Perspectives*, 22(1), 28-36.
- Gilson, C. M., & Lee, L. E. (2023). Cultivating a learning environment to support diverse gifted students. *Gifted Child Today*, 46(4), 235-249.
- Hafenstein, N. L., Boley, V., & Lin, J. (2022). State policy and funding in gifted education. *Gifted Child Today*, 45(4), 226-234.
- Hagh, Karamollah, M., & Fouladgar, M. (2014). Strategic planning for improving student welfare in Iran's higher education system (from the perspective of quality of life). *Social Welfare Planning and Development*, 5(18), 109-139. (in Persian)
- Hatami, D., Kamali, H., & Roshan, A. (2023). A Study on the Experiences of Higher Education Good Governance in European and North America Countries; Some Lessons Gained for Higher Education in Iran. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 29(1), 161-186. (in Persian)
- Holsti, O. R. (2019). Content analysis for the social sciences and humanities (N. Salarzadeh Amiri, Trans.). Tehran: Allameh Tabataba'i University Press.
- Hosseini Largani, M. (2025). Identifying and Ranking the factors of Student Choices for Universities and Academic Disciplines with the Most and Least Applicants Across Five Experimental Cohorts in National Entrance exams from 2017 to 2022. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 31(3), 123-141. (in Persian)

- Hosseini, N., & Salimi, Q. (2025). Identification and analysis of students' competencies and responsibilities at Shiraz University in response to research guidance by advisors. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 31(2), 21–44. (in Persian)
- Iman, M. T., & Noushadi, M. R. (2011). Qualitative content analysis. *Research Quarterly*, 3(2), 15–44. (in Persian)
- Johnsen, S. K. (2022). The assessment standard in gifted education: Identifying gifted students. *NAGC Pre-K–Grade 12 Gifted Education Programming Standards*, 94-127.
- Kiani, K., Shahriyarpour, R., Moradi, F., & Sadr, H. (2018). Structural modeling of factors affecting the tendency of elite students to migrate from the country (Case study: University of Semnan). *Higher Education Letter*, 11(44), 121–151. (in Persian)
- Kronborg, L., & Cornejo-Araya, C. A. (2018). Gifted educational provisions for gifted and highly able students in Victorian schools, Australia. *Universities Psychologica*, 17(5), 1-14.
- Lee, J., Kang, B., & Lee, D. (2016). Law for gifted and talented education in South Korea: Its development, issues, and prospects. *Talent*, 6(1), 14-23.
- Lipovská, H., & Fischer, J. (2016). Gifted Students and Human Capital Accumulation. *Journal on Efficiency and Responsibility in Education and Science*, 9(3), 60-69.
- Mahdi, R. (2015). University students' quality of life: A case study of public universities in Tehran. *Iranian Higher Education*, 7(3), 1–26. (in Persian)
- Merry, M. S. (2008). Educational justice and the gifted. *Theory and Research in Education*, 6(1), 47-70.
- Mortazavi, H., Shahtalebi, B., & Karimi, F. (2022). A model of university students' quality of life with an emphasis on dimensions (research facilities, general facilities, and entrepreneurial opportunities). *Strategies for Medical Science Education*, 15(1), 69–78. (in Persian)
- Novak, A. M., Lewis, K. D., & Weber, C. L. (2020). Guiding principles in developing equity-driven professional learning for educators of gifted children. *Gifted Child Today*, 43(3), 169-183.
- Pouratashi, M. (2018). Identification and support of gifted and talented students in the world and Iran. *Specialized Reports on Higher Education* (No. 3). Institute for Research and Planning in Higher Education. . (in Persian)
- Rawls, J. (1971). The Good of Justice. in *A Theory of Justice: Original Edition* (pp. 513–588). Harvard University Press. <https://doi.org/10.2307/j.ctvjf9z6v.13>
- Shahabadi, A., & Jamehbozorgi, A. (2013). The impact of the quality of the innovation system on elite migration in selected Middle Eastern countries. *Journal of Economic and Developmental Sociology*, 2(1), 73–101. (in Persian)
- Soltani, R., Kafi, S. M., Salehi, I., Karshki, H., & Rezaei, S. (2010). Investigating the quality of life of students at the University of Gilan. *Journal of Guilan University of Medical Sciences*, 19(75), 25–35. (in Persian)
- Suminar, D. R. (2024). Influencing Factors of Outstanding Student at University: A Scoping Review. *Proceeding Series of Psychology*, 2(1), 104-116.
- Tabrizi, M. (2012). Qualitative content analysis from the perspective of deductive and inductive approaches. *Social Sciences Quarterly*, 2(64), 105–138. (in Persian)
- Yu, G. B., & Kim, J.-H. (2008). Testing the mediating effect of the quality of college life in the student satisfaction and student loyalty relationship. *Applied Research in Quality of Life*, 3(1), 1–21.
- Yu, G., & Lee, D. J. (2008). A model of quality of college life (QCL) of students in Korea. *Social Indicators Research*, 87, 269-285.